

کاربرد قاعده توقف رسیدگی در دادرسی‌های موازی بین‌المللی

عباس کشاورز مویدی*

DOI: 10.22096/law.2023.559371.2071

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰]

چکیده

امروزه با رشد تجارت و روابط فرامرزی اشخاص حقوق خصوصی، در بسیاری از روابط حقوقی، عنصر خارجی وجود دارد. گسترش مبادلات و ارتباطات اشخاص در عرصه تجارت جهانی، با وجود مزایای انکارناپذیری که دارد، در مواردی که منجر به اختلاف می‌شود می‌تواند چالش‌برانگیز باشد، زیرا هریک از طرفین اختلاف، به دنبال طرح دعوا در دادگاهی است که منافعی بهتر تضمین شود. این موضوع باعث به وجود آمدن دعاوی موازی می‌شود که تأثیرات نامطلوبی در عرصه شناسایی و اجرای احکام خارجی بر جای خواهد گذاشت. قاعده توقف رسیدگی یکی از معمول‌ترین روش‌های مقابله با دعاوی موازی بین‌المللی است. کشورهای مختلف با توجه به درجه اهمیت که به تعاون قضایی بین‌المللی می‌دهند، از رویکردهای متفاوتی در مورد قابلیت اعمال این قاعده در عرصه بین‌المللی پیروی کرده‌اند. نکته مهم در مورد قابلیت اعمال قاعده توقف رسیدگی در رسیدگی‌های موازی بین‌المللی این است که استفاده دولت‌ها از توقف رسیدگی در دعاوی موازی، تا حد زیادی بستگی به اصل اعتماد متقابل بین دولت‌ها دارد. موضوعی که به‌روشنی از سابقه تاریخی کنوانسیون بروکسل و اصلاحات لاحق این کنوانسیون برداشت می‌شود.

واژگان کلیدی: توقف رسیدگی؛ دادرسی موازی بین‌المللی؛ ایراد امر مطروحه بین‌المللی؛ دعاوی مرتبط بین‌المللی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: Keshavarzi.abbas1377@gmail.com



مقدمه

به وجود آمدن دعاوی موازی در عرصه بین‌المللی می‌تواند علل مختلفی داشته باشد، از جمله افزایش تجارت جهانی، عبور دعاوی و اختلافات حقوقی از قلمروی مرزهای صلاحیت سرزمینی دولت‌ها و همچنین نبودن سلسله‌مراتب برای دادگاه‌ها در عرصه بین‌المللی. زیرا همان‌طور که دولت‌ها در عرصه بین‌المللی دارای حاکمیت مساوی هستند، دادگاه‌های کشورهای مختلف نیز اصولاً نسبت به یکدیگر دارای صلاحیت عمودی هستند و حاضر نیستند که از اعمال صلاحیتشان به نفع دادگاه کشور دیگر خودداری کنند. در واقع، امور قضایی از جمله امور حاکمیتی تلقی می‌شود و خودداری از اعمال صلاحیت در رسیدگی به دعاوی، می‌تواند مصداقی از ضعف در امور حاکمیتی تلقی شود. اما دولت‌ها باید به این موضوع نیز توجه کنند که به وجود آمدن دعاوی موازی می‌تواند پیامدهای ناگواری برای طرفین دعا داشته باشد، از جمله عدم امکان اجرای رأی در کشور محل اجرای حکم؛ پیامدی که به صراحت از بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران^۱ برداشت می‌شود. به همین دلیل، مکانیسم‌های گوناگونی از جانب حقوق‌دانان و نظام‌های حقوقی مختلف، برای مقابله با طرح دعاوی موازی در دادگاه‌های کشورهای مختلف پیشنهاد داده شده‌است.

یکی از متداول‌ترین و میانه‌روترین روش‌های مقابله با دادرسی موازی، استفاده از قرار توقف رسیدگی است که این قرار عمدتاً در کشورهای عضو اتحادیه اروپا اعمال می‌شود. استفاده از این روش، نسبت به سایر روش‌ها از مزیت بیشتری برخوردار است، چراکه صدور این قرار دخالت در امور قضایی کشور دیگر محسوب نمی‌شود و دادگاه صادرکننده قرار، به موجب قانون داخلی، یا معاهده یا کنوانسیون بین‌المللی که به آن پیوسته است، مبادرت به صدور قرار توقف رسیدگی می‌کند. در این قرار، دادگاه ثانی که دعوا به آنجا ارائه شده‌است، رسیدگی خود را تا اعلام نظر دادگاه اول در مورد صلاحیت دادگاه اول متوقف می‌کند و در صورتی که دادگاه اول خودش را صالح به رسیدگی بداند، دادگاه ثانی نسبت به دعوی مطروحه مبادرت به صدور قرار رد دعوا می‌کند. این مفهوم به روشنی از ماده ۲۹ مقررۀ بروکسل برداشت می‌شود. این قاعده هم در دعاوی موازی خاص، یا همان دعاوی مشابه که مشمول ایراد امر مطروحه است، کاربرد دارد و هم در دعاوی موازی به مفهوم عام آن، که شامل دعاوی اضافی، متقابل، مرتبط و فرعی

۱. ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی: «احکام مدنی صادره از دادگاه‌های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجرا است، مگر این‌که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد: ...
بند ۵: از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد.»

است. در این مقاله، ضرورت اعمال این قاعده در دعاوی موازی بین‌المللی، با نگاهی تطبیقی به موضع نظام‌های حقوقی گوناگون، بررسی می‌شود.

۱. ضرورت اعمال قاعده توقف رسیدگی در دادرسی‌های موازی بین‌المللی

دادرسی موازی دارای دو معنای عام و خاص است. دادرسی موازی در معنای خاص وقتی رخ می‌دهد که دعوی بین دو شخص واحد و در موضوع واحد، در دو محکمه مطرح شود. دادرسی موازی در این معنا، معادل ایراد امر مطروحه است. چنین دادرسی موازی‌ای می‌تواند آثار نامطلوب فراوانی، از جمله صدور آرای معارض را به جای بگذارد و در هر دو نظام حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا با دادرسی موازی در این معنا مقابله شده است.

قاعده اعتبار امر مطروحه بیشتر در سنت نظام حقوقی رومی - ژرمنی ریشه دارد. مفاد این قاعده در کشورهای تابع نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی به این نحو است که اگر دعوی بین طرفین واحد و در موضوع واحد، در دادگاهی در جریان باشد و منتهی به صدور حکم نشده باشد، رسیدگی مجدد به آن دعوا در دادگاه ثانی جایز نخواهد بود. این موضوع یک اصل است که به صورت رویه‌ای در قوانین کشورهای رومی - ژرمنی گنجانده شده است. مبنای پذیرش ایراد امر مطروحه، سیاست پیروی از اقتصاد قضایی بهینه است که پیروی از این سیاست، جلوگیری از هزینه مضاعف و ایجاد امنیت حقوقی، به واسطه جلوگیری از صدور آرای متعارض را به ارمغان می‌آورد.^۲ در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا نیز با لحنی منعطف‌تر مقابله با دعاوی موازی در معنای خاص مورد پذیرش قرار گرفته است. به طور مثال، رویه حقوق انگلستان در این باب این است که اگر خواهان، یک دعوا را علیه خواننده در دو دادگاه مختلف مطرح کند، خواننده در صورتی که ثابت نماید خواهان عمداً و به جهت تحت فشار قرار دادن وی دعوا را در دو دادگاه مختلف مطرح کرده است، می‌تواند به این ایراد استناد کند و دادگاه بسته به شرایط گوناگون خواننده دعوا می‌تواند خواهان را از طرح دعوی مجدد منع کند.^۳

دادرسی موازی در معنای عام، معادل دعاوی متقابل است که از دعاوی موازی در معنای

2. August Reinisch, "The Use and OF Res Judicata and Lis Pendens as Procedural Tools to Avoid Conflicting Dispute Settlement, Outcomes," *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, no. 3 (2004): 43-44.

3. Mofoluwawo OluwaPelumi MojolaOluwa, "Private International Law and the Doctrine of Lis Alibi Pendens," last modified November 7, 2022, <https://papers.ssm.com › sol3 › papers>.

خاص آثار سوء کمتری دارد.^۴ مفهوم دعاوی موازی در معنای عام آن است که اگرچه موضوع دو دعوا فی نفسه واحد نیست، اما صدور رأی در هریک از دعاوی، در دعاوی دیگر مؤثر است؛ مفهومی که به صراحت از ماده ۳۰ مقررۀ بروکسل برداشت می‌شود.^۵

برای اعمال قاعدۀ توقف رسیدگی در دادرسی‌های موازی بین‌المللی، دلایلی آورده شده‌است که هریک به نحوی توجیه‌گر اعمال این قاعده در دادرسی‌های موازی بین‌المللی است. «طرفداران اعمال این قاعده در نشستی که در آکادمی لاهه برگزار گردید، ضرورت اعمال این قاعده را ناشی از اعمال نتیجۀ پیشگیرانه امر مختومه در دادرسی‌های موازی، کارآمدی قضایی، استفاده از قاعدۀ توقف رسیدگی به عنوان وسیله‌ای برای کاهش و تنظیم دقیق اعمال بیش‌ازحد صلاحیت اصلی و گسترش عدالت بین دادگاه‌ها دانسته‌اند. اما هیچ‌یک از دلایل مذکور آن‌طور که باید، قاعدۀ توقف رسیدگی را توجیه نمی‌کنند، چراکه این دلایل به نحوی استقلال قاعدۀ توقف رسیدگی را نادیده می‌گیرند.»^۶ به دیدگاهی که ضرورت اعمال این قاعده را ناشی از اعمال نتیجۀ پیشگیرانه امر مختومه در دادرسی‌های موازی می‌داند، نقد وارد است، چراکه اولاً اعتبار امر مختومه توضیح موجهی برای بسیاری از ارتباطات در دعاوی چندجانبه ارائه نخواهد داد. ثانیاً قاعدۀ مذکور به دعاوی مرتبط نمی‌پردازد، درحالی که یکی از مصادیق دعاوی موازی همین دعاوی مرتبط است. ثالثاً قاعدۀ اعتبار امر مختومه بین‌المللی برای اعتبار بخشیدن به حکم خارجی است که صادر شده‌است، درحالی که در دادرسی‌های موازی بین‌المللی فی الواقع حکمی صادر نشده‌است که ضرورت استفاده از این نتیجۀ پیشگیرانه وجود داشته باشد. رابعاً قاعدۀ اعتبار امر مختومه از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده از جانب ملل متمدن، برای دو هدف ثبات در روابط حقوقی و محفوظ ماندن حق محکوم‌له در دادرسی معرفی شده‌است و این دو هدف با اعمال این قاعده در دادرسی‌های موازی بین‌المللی توجیه نمی‌شود، چراکه در دعاوی موازی هنوز رأیی صادر نشده است که حق مکتسبی برای محکوم‌له قابل تصور باشد. بنابراین تنها شباهت بین اعمال قاعدۀ

4. Peter Hay, "Notes on the European Union's Brussels-I 'Recast' Regulation," last modified November 5, 2022, <https://papers.ssrn.com › sol3 › papers>.

5. Article 30: ...3. For the purposes of this Article, actions are deemed to be related where they are so closely connected that it is expedient to hear and determine them together to avoid the risk of irreconcilable judgments resulting from separate proceedings.

6. Campbell McLachlan, *Lis Pendens in International Litigation* (Netherlands: MARTINUS NIJHOFF PUBLISHERS Leiden/Boston, 2009), 21.

اعتبار امر مختومه و قاعده توقف رسیدگی، در جلوگیری از صدور آرای معارض است و این شباهت تک‌بعدی توجیه‌گر اعمال این قاعده در دادرسی‌های موازی نیست.

در خصوص کارآمدی قضایی نیز پاسخ روشنی برای این مسئله وجود ندارد که چرا باید کارآمدی قضایی کشوری دیگر که دارای نظام حقوقی متفاوت است مدنظر قرار بگیرد. بنابراین توجیه‌گر اعمال قاعده توقف رسیدگی نخواهد بود. دلیل کاهش و تنظیم دقیق صلاحیت اصلی قاعده توقف رسیدگی را، به‌عنوان وسیله‌ای برای خودداری از رسیدگی توسط یک دادگاه، در جایی می‌دانند که دو دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوی، با طرفین، موضوع و سبب واحد دارند. اما دلیل مذکور نمی‌تواند توجیه‌گر قاعده توقف رسیدگی باشد، چراکه در توقف رسیدگی، موضوع صرفاً در رد صلاحیت توسط یک دادگاه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوع قاعده توقف رسیدگی این است که در جایی که دو دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارند، کدام دادگاه باید به نفع دیگری از اعمال صلاحیتش خودداری کند.^۷

جامع نبودن دلایل مذکور، ضرورت وجود دلیل جدید برای اعمال قاعده توقف رسیدگی در دادرسی‌های موازی را نمایان می‌کند. دلیل جدیدی که توجیه‌گر قاعده مذکور است، بهبود حاکمیت قانون از طریق ایجاد فضای مناسب برای محاکمه عادلانه است. ابهام ناشی از این دلیل، در فقدان هرگونه مقررۀ عام و جهان‌شمول در رابطه با اعمال این قاعده در عرصه بین‌المللی، می‌تواند با استفاده از نظریه هوبر^۸ برطرف شود. طبق نظر هوبر، هدف از ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، عدالت است و در این رابطه سه اصل بیان می‌کند: اولاً قواعد هر دولت در محدوده آن دولت الزام‌آور است، اما در خارج از آن دولت الزام‌آور نیست. ثانیاً همهٔ افرادی که در محدوده یک دولت زندگی می‌کنند، تابع قوانین آن دولت هستند. ثالثاً حاکمیت‌ها به‌نحوی برخورد می‌کنند که حقوق مکاتبه در کشورهای دیگر محفوظ بماند. البته بسیاری از نویسندگان حقوق بین‌الملل خصوصی، سخن هوبر را قبول ندارند،^۹ اما هوبر در پاسخ می‌گوید: هیچ‌چیز برای تجارت و عرف بین‌المللی ناخوشایندتر از این نیست که معاملات معتبر توسط قانون یک مکان، در جای دیگر، به‌دلیل تفاوت در قانون بی‌تأثیر باشد و این همان نتیجه‌ای است که از اصل سوم به دست می‌آید.

اصولی که در دفاع از نظریه هوبر بیان شد به این مفهوم است که پایه واقعی که حقوق بین

7. McLachlan, *Lis Pendens*, 25-26.

8. Huber.

9. McLachlan, *Lis Pendens*, 78.

الملل خصوصی بر آن استوار است، این است که قواعد حقوق بین‌الملل باید ناشی از منافع متقابل و نوعی ضرورت اخلاقی برای انجام عدالت باشد. این عبارت توسط دیوان عالی کشور کانادا به زبان ساده‌تری بیان شده است: هدف دوگانه‌ای که حقوق بین‌الملل خصوصی به دنبال آن است نظم و انصاف است.^{۱۰} هوپر سپس اضافه می‌کند درست است که هر دولتی صلاحیت وضع قوانین در قلمرو خودش را دارد، اما در مواردی قانون خارجی نیز پذیرفته می‌شود. پذیرش قانون خارجی به رضایت دولت پذیرنده بستگی دارد. از نظر هوپر، تنها چیزی که اعمال قانون خارجی را توجیه خواهد کرد، عدالت است.

آنچه تاکنون در خصوص مبنای قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی گفته شد، مربوط به تعارض قوانین بود و ارتباط مستقیمی با قاعده توقف رسیدگی که از قواعد تعارض صلاحیت‌ها است ندارد. اما باید توجه داشت که هدف تعارض قوانین، به صورت بالقوه، در تعارض صلاحیت‌ها نیز وجود دارد.

دکترین فرانسوی که در ذیل بدان پرداخته می‌شود، ارتباط بالقوه بین هدف تعارض قوانین و تعارض صلاحیت را نمایان می‌کند. در دکترین فرانسوی بیان شده است که امتناع از شناسایی و اجرای احکام خارجی، منجر به سوء استفاده طرفین دعوا، جانبداری از طرفی که ذی‌حق نیست، و ایجاد بی‌نظمی در فرایند دادرسی می‌شود. آثار مضر که از عدم شناسایی اجرای احکام خارجی ناشی می‌شود، در سال ۱۹۷۴ باعث تغییر در قانون فرانسه و به رسمیت شناختن اجرای احکام خارجی شد. در حقوق فرانسه به این نتیجه دست یافتند که اگر بخواهند احکام دادگاه‌های خارجی را به رسمیت بشناسند و اجرا کنند، مستلزم این است که روند رسیدگی دادگاه‌های خارجی را نیز به رسمیت بشناسند.^{۱۱}

در حقوق آلمان نیز قاعده توقف رسیدگی در پرونده‌های بین‌المللی، به عنوان یکی از اصول معتبر حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است.^{۱۲}

دکترین معاضدت قضایی در سطح بین‌المللی توجیه‌گر این مسئله است که در دعاوی خارجی، دادگاه‌ها نباید صرفاً به قلمرو دادرسی داخلی کشور خود محدود شوند و باید

10. McLachlan, *Lis Pendens*, 77-79.

11. McLachlan, *Lis Pendens*, 82.

12. Kaj I. Huber, *Res Judicata and Lis Pendens in International Arbitration* (Netherlands: Collected Courses of the Hague Academy of International Law, 2014), 27.

دادرسی خارجی را نیز مدنظر قرار دهند. در غیر این صورت، بی‌عدالتی آشکاری نسبت به طرفین دعوا رخ می‌دهد.^{۱۳} البته برای این هدف لزوماً نیازی نیست که قوانین جهان‌شمولی در رابطه با دادرسی‌های موازی در عرصه بین‌المللی موجود باشد، چراکه این هدف علاوه بر عدم لزوم، کمی بعید به نظر می‌رسد. بنابراین کشورها می‌توانند از طریق قوانین داخلی نیز به شناسایی قاعده توقف رسیدگی در عرصه بین‌المللی مبادرت ورزند و با این اقدام، بهبود حاکمیت قانون، از طریق ایجاد فضای مناسب برای دادرسی عادلانه فراهم می‌شود که همچنین توجیه محکمی برای اعتبار قاعده مذکور است.

حال که ضرورت اعمال این قاعده در دادرسی‌های موازی بین‌المللی نمایان شد، باید مزیت عملی این مکانیسم نسبت به سایر روش‌ها و همچنین شرایط اعمال این قاعده در دعاوی موازی بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. مقایسه قاعده توقف رسیدگی با سایر روش‌ها

برای مقابله با دعاوی موازی، روش‌های گوناگونی از قبیل تحمل دادرسی موازی و ادامه دادن به رسیدگی، انتقال و ادغام دعاوی، قرار رد دعوا و دستور ضد دعوا^{۱۴} وجود دارد. بعضی از این روش‌ها رویکرد تفریبی نسبت به دادرسی موازی دارند، مانند تحمل دادرسی موازی که در چنین رویکردی ادامه رسیدگی دادگاه‌ها به دعاوی موازی، منجر به صدور آرای معارض می‌شود و این نتیجه، تالی فاسد فراوانی در مرحله شناسایی و اجرای احکام خارجی خواهد داشت.

بعضی از روش‌های مقابله با دادرسی موازی، مانند دستور ضد دعوا، نیز رویکرد افراطی دارند. خاستگاه اصلی این دستور، کشور انگلستان است و از این دستور، برای برتری دادن به نوع خاصی از دادگاه استفاده می‌شده است. نام این دادگاه، دادگاه صدارت^{۱۵} بود که در ابتدای قرون وسطی به‌عنوان مرجع تجدیدنظر در رابطه با اختیارات شخص شاه بود. در انگلستان، وقتی دعاوی نزد دادگاه صدارت مطرح می‌شد، با استفاده از دستور ضد دعوا از پیگیری همان دعوا در نزد دادگاه‌های کامن‌لا جلوگیری می‌شد، ولو این‌که دعوا در دادگاه کامن‌لا زودتر مطرح شده بود.^{۱۶} مخاطبان این دستور، طرفین دعوا هستند که دادگاه آن‌ها را از طرح دعوا نزد مرجعی دیگر ممنوع می‌کند. با این‌که مخاطب این دستور طرفین دعوا هستند، اما اغلب

13. McLachlan, *Lis Pendens*, 81-82.

14. Anti-suit injunction.

15. Delaware Court of Chancery.

16. McLachlan, *Lis Pendens*, 53.

کشورها چنین دستوری را به‌طور غیرمستقیم دخالت در امور قضایی خودشان قلمداد می‌کنند و معمولاً به چنین دستوری که از دادگاه کشور دیگر صادر شده‌است، توجه نمی‌کنند. به نظر می‌رسد استفاده از مکانیسم دستور ضد دعوا، در عرصهٔ دادرسی‌های موازی بین‌المللی نمی‌تواند کارایی داشته باشد.

قرار رد دعوا نیز نتوانسته‌است در دعاوی موازی بین‌المللی از مقبولیت چندانی برخوردار باشد، چراکه وقتی دادگاه ثانی، که دعاوی موازی به آنجا ارائه شده‌است، مبادرت به صدور قرار رد دعوا می‌کند، دعوا به‌طور کامل از بین می‌رود و اگر دادگاه اول صلاحیت رسیدگی به دعوا را نداشته باشد، خواهان باید برای پیگیری دعوا در دادگاه ثانی، اقدامات لازم را مجدداً انجام دهد. این امر می‌تواند هزینهٔ مضاعفی برای خواهان داشته باشد. درحالی‌که در قرار توقف رسیدگی، وقتی دادگاه ثانی رسیدگی خود را به نفع دادگاه اول متوقف می‌کند، دعوا به‌طور کامل از بین نمی‌رود و رسیدگی در دادگاه دوم به‌صورت موقت، تا زمان اظهارنظر دادگاه اول در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیتش، متوقف می‌شود و اگر دادگاه اول خود را صالح به رسیدگی ندانست، آن‌گاه دادگاه دوم مبادرت به رد دعوا می‌کند. اگر دادگاه اول خود را صالح به رسیدگی ندانست، رسیدگی دادگاه ثانی از حالت تعلیق خارج می‌شود. این فرایند در رابطه با قرار توقف رسیدگی، از مادهٔ ۲۹ مقررۀ بروکسل برداشت می‌شود.^{۱۷} از آنچه تاکنون گفته شد، به‌روشنی برتری استفاده از قرار توقف رسیدگی نسبت به سایر روش‌های مقابله با دادرسی موازی نمایان می‌شود و از صدور آرای معارض حتی‌الامکان جلوگیری می‌شود.

۱-۲. شرایط اعمال قاعدهٔ توقف رسیدگی در دادرسی‌های موازی بین‌المللی

برای این که بتوان این قاعده را در رسیدگی‌های موازی بین‌المللی اعمال کرد، وجود دو نوع شرط لازم است: نوع اول شروطی هستند که وجود این شروط در قاعدهٔ اعتبار امر مختومه نیز

17. Article 29: 1. Without prejudice to Article 31(2), where proceedings involving the same cause of action and between the same parties are brought in the courts of different Member States, any court other than the court first seised shall of its own motion stay its proceedings until such time as jurisdiction of the court first seised is established.

2. In cases referred to in paragraph 1, upon request by a court seised of the dispute, any other court seised shall without delay inform the former court of the date when it was seised in accordance with article 32.

3. Where the jurisdiction of the court first seised is established, any court other than the court first seised shall decline jurisdiction in favour of that court.

ضروری است و نوع دوم شروطی هستند که صرفاً به قاعده توقف رسیدگی اختصاص دارند.

لازم به ذکر است تفسیری که از شروط اشتراکی این دو قاعده می‌شود، در قاعده توقف رسیدگی، لزوماً به صورت کامل منطبق با تفسیر این شروط در قاعده اعتبار امر مختومه نیست و این موضوع از تفسیری که دیوان دادگستری اروپا و دیوان عالی کشور کانادا از شروط قاعده توقف رسیدگی انجام داده‌اند برداشت می‌شود. در ادامه، این تفاسیر به صورت مفصل بررسی خواهد شد.

۱-۲-۱. شروط مشترک قاعده توقف رسیدگی و قاعده اعتبار امر مختومه

در کشورهای رومی - ژرمنی شباهت بسیاری بین شروط اعمال این دو قاعده وجود دارد. وقتی دادگاه‌ها طبق قاعده توقف رسیدگی، بخواهند در رسیدگی موازی دادرسی را متوقف کنند، به هویت طرفین دعوا، موضوع دعوا و علت دعوا توجه می‌کنند. این موضوع از حقوق روم قابل برداشت است، زیرا حقوق دانان هلندی، در قرن هفدهم، برای اعمال این قاعده به تعیین دقیق هویت طرفین دعوا توجه می‌کردند. شروط مشترک بین قاعده اعتبار امر مختومه و قاعده توقف رسیدگی از این قرارند: شرط اول، وحدت طرفین دعوا است. برای این که بتوان قاعده توقف رسیدگی را در رسیدگی‌های موازی اعمال کرد، نیاز است که طرفین در هر دو دعوا یکسان باشند. شرط دوم، وحدت موضوع دعوا و شرط سوم، وحدت علت دو دعوا است. اگرچه شرط دوم و شرط سوم به صورت تحلیلی متمایز هستند، اما از نظر عملی، این دو شرط معمولاً با یکدیگر مطابقت دارند و در کنار هم قرار می‌گیرند، زیرا هر دو در پی تعیین موضوع عمل قضایی هستند.^{۱۸} شرط چهارم، قابل اجرا بودن حکم دادگاه خارجی است. این شرط نیز بین قاعده اعتبار امر مختومه و قاعده توقف رسیدگی برای این که قابلیت اعمال در عرصه بین‌المللی را داشته باشند، مشترک است. بدین مفهوم که دادگاه، در مورد اعتبار امر مختومه، در ابتدا بررسی می‌کند حکمی که از دادگاه خارجی صادر شده است، در کشورش قابلیت اجرا دارد یا ندارد و در صورتی که پاسخ مثبت بود، از رسیدگی مجدد خودداری می‌کند. به نحو مشابهی، در مورد اعمال قاعده توقف رسیدگی نیز در عرصه بین‌المللی وضع به همین شکل است. بدین معنا که اگر دادگاهی بخواهد رسیدگی خود را به نفع دادگاه کشور بیگانه متوقف کند، معمولاً باید در ابتدا بررسی کند که اگر از دادگاه کشور خارجی حکمی صادر شود، این حکم در کشورش قابل اجرا است یا خیر. اگر پاسخ مثبت بود، رسیدگی‌اش را متوقف کند. البته این شرط استثنائاً در مورد مقرره بروکسل وجود ندارد، زیرا مقرره بروکسل

18. McLachlan, *Lis Pendens*, 112.

براساس اصل اعتماد متقابل بین کشورهای اتحادیه اروپا تنظیم شده و دادگاهی که ملزم به تبعیت از مقررۀ بروکسل است، الزامی ندارد که قابل اجرا بودن حکم دادگاه اول را، که رسیدگی اش را به نفع آن دادگاه متوقف کرده است، بررسی کند. اما در خارج از نظام بروکسل، یکی از شروط اعمال این قاعده در دادرسی های موازی بین المللی، این است که دادگاه در ابتدا قابلیت اجرای حکم دادگاه خارجی را بررسی کند. ماده ۹ قانون بین الملل خصوصی سوئیس، نمونه روشنی از این موضوع است که دادگاه کشور سوئیس در صورتی که بخواهد طبق ماده ۹ قانون مذکور، رسیدگی خود را به نفع دادگاه کشوری که خارج از قلمرو اتحادیه اروپا است متوقف کند، باید پیش بینی نماید که حکم آن دادگاه خارجی در کشورش قابلیت اجرا دارد.^{۱۹} همچنین بند ۱ ماده ۳۳ مقررۀ جدید بروکسل این امکان را برای دادگاه های کشورهای عضو اتحادیه اروپا فراهم کرده است که رسیدگی خود را به نفع کشور ثالثی که خارج از قلمرو اتحادیه اروپا قرار دارد متوقف کنند. این ماده، این شرط را مقرر کرده است که قبل از اعمال قاعده توقف رسیدگی، دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا باید به بررسی قابلیت اجرای حکم دادگاه آن کشور، خارج از قلمرو اتحادیه اروپا بپردازد و در صورتی که پاسخ این مسئله مثبت بود، می تواند رسیدگی خود را به نفع دادگاه کشور خارج از قلمرو اروپا متوقف کند.^{۲۰} بنابراین آنچه گفته شد، در اعمال قاعده توقف رسیدگی، علی الاصول پیش بینی قابل اجرا بودن حکم دادگاه خارجی ضروری است.

۲-۲-۱. شروط متفاوت قاعده توقف رسیدگی و قاعده اعتبار امر مختومه

این دو قاعده در یک شرط با یکدیگر متفاوت اند. در قاعده اعتبار امر مختومه، شرط این که دادگاه ثانی از رسیدگی به دعوا خودداری کند این است که دادگاه اول حکمی در خصوص همان موضوع و بین همان طرفین صادر کرده باشد و در غیر این صورت، موضوع مشمول قاعده اعتبار امر مختومه نمی شود. اما در قاعده توقف رسیدگی، از آنجایی که هنوز حکمی صادر نشده است، جایگزین این شرط آن است که دادگاه اول مبادرت به رسیدگی کرده باشد؛ یعنی وقتی دادگاهی بخواهد قاعده توقف رسیدگی را در رسیدگی های موازی اعمال کند، شرطش این است که دادگاهی زودتر از دادگاهی که می خواهد رسیدگی خود را متوقف کند، در همان

19. McLachlan, *Lis Pendens*, 115.

20. Giacomo, Paili, "Lis alibi pendens within Europe - SSRN Papers," last modified July 22, 2022, <https://papers.ssrn.com> > SSRN_ID2276572_code1537884.

موضوع و بین همان طرفین مبادرت به رسیدگی به دعوا کرده باشد.^{۲۱} همین تفاوتی اساسی است که فرق بین دو قاعده مذکور را روشن می‌سازد.

۱-۲-۳. تفاوت معنایی شروط مشترک توقف رسیدگی و اعتبار امر مختومه

با وجود آن‌که بیشتر شروط ضروری برای اجرای قاعده توقف رسیدگی و قاعده اعتبار امر مختومه مشترک هستند، اما این شروط مشترک، به صورت کامل مطابقت ندارند، زیرا در قاعده توقف رسیدگی، تعیین ماهیت دعوا مستلزم توجه به ادعاهای خواهان است و مواردی دیگر همچون دفاعیات دعوا مدنظر قرار نخواهد گرفت. رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا نیز این موضوع را مدنظر قرار داده است^{۲۲} و در مورد شرط دوم قاعده توقف رسیدگی، که با قاعده اعتبار امر مختومه شرط مشترکی است، این تفسیر را ارائه داده است که در مورد موضوع دعوا باید حقایق و حاکمیت قانون به عنوان موضوع دعوا در نظر گرفته شود. در مورد شرط سوم اعمال قاعده توقف رسیدگی نیز پایان دعوا را به عنوان تفسیری از شرط سوم مدنظر قرار داده است.^{۲۳}

دیوان عالی کشور کانادا نیز در پرونده‌ای که در ایالت کبک مطرح شده بود، تفسیر ارزشمندی از موضوع و هدف دعوا، مشابه با همان تفسیر دیوان دادگستری اروپا، برای اعمال قاعده توقف رسیدگی بین‌المللی ارائه داد. اگرچه تفسیری که دیوان عالی کشور کانادا ارائه داد جنبه بین‌المللی نداشت، اما از نظر مطالعات، برای بررسی شروط قاعده توقف رسیدگی مفید به نظر می‌رسد. در دادگاه عالی کبک شخصی به نام روکسی، به دنبال طرح دعوا علیه اشخاصی به خاطر اعمال تجاری ناعادلانه بود. این اشخاص به دنبال متوقف کردن دعوای روکسی، بر پایه قاعده توقف رسیدگی، طبق ماده ۱۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی کبک بودند، زیرا دعوا در دادگاه فدرال با همین موضوع و بین همین اشخاص در حال رسیدگی بود. دادگاه عالی کبک پذیرفت که از اعمال صلاحیتش خودداری کند، اما دیوان عالی کشور کانادا موضوع را مشمول توقف رسیدگی دانست. دیوان به درستی تشخیص داد که علاوه بر وحدت هویت طرفین دو دعوا، بین موضوع دو دعوا نیز وحدت وجود دارد، زیرا اگرچه دلایل و دعوای دقیق پولی متفاوت هستند، اما طرفین دعوا به دنبال یک هدف هستند. دیوان عالی کانادا در خصوص تعیین موضوع دعوا مقرر کرد که واقعیات و حاکمیت قانون می‌توانند علت عمل را تشکیل بدهند و هیچ‌یک از این دو نمی‌توانند بدون دیگری علت عمل باشند، زیرا

21. McLachlan, *Lis Pendens*, 113.

22. McLachlan, *Lis Pendens*, 114.

23. McLachlan, *Lis Pendens*, 114.

اولاً واقعیت‌ها نمی‌توانند به‌تنهایی علت ایجاد تعهد حقوقی باشند و این واقعیت‌ها زمانی می‌توانند تبدیل به واقعیت حقوقی شوند که منطبق با حاکمیت قانون باشند. همین واقعیت‌ها، اگر منطبق با حاکمیت قانون نباشند، در موارد مختلف می‌توانند علل مختلفی را ایجاد کنند. ثانیاً یک قاعده قانونی نمی‌تواند بدون این‌که وضعیت واقعی عملی را مدنظر قرار دهد، علت عمل باشد. درواقع، حاکمیت قانون وقتی می‌تواند علت عمل را تشکیل بدهد، که درمورد موقعیتی واقعی اعمال شود. سپس دیوان عالی کشور کانادا توضیح می‌دهد که برای تعیین وحدت هویت عمل، باید تجزیه و تحلیل دوماه‌ای انجام شود. مرحله اول این‌که آیا دو علت بر مبنای یک قاعده حقوقی استوار است؟ پاسخ به این سؤال بدین دلیل اهمیت دارد که طبق نظر دیوان عالی کشور کانادا، دو ماده قانونی که مبتنی بر اصول حقوقی متفاوتی هستند، منجر به علت واحدی نخواهند شد، زیرا واقعیتی که به‌عنوان مبنای مسئولیت در نظر گرفته می‌شود، لزوماً متفاوت خواهد بود و توصیف حقوقی چنین وضعیت واقعی به‌نحو مشابهی متفاوت خواهد بود. مرحله دوم این‌که آیا نتیجه حاصل از اعمال واقعیت بر مبنای یک مقررۀ واحد یکسان خواهد بود؟ در بررسی این مرحله، اگر با توجه به مجموعه حقایق، اثر حکم مقررۀ مورداستناد در اقدام دوم، مشابه با اقدام اول باشد، باید به این نتیجه رسید که بین دو عمل هویت واحد وجود دارد.^{۲۴}

با توجه به تفاسیری که از علت عمل داده‌اند، برای احراز شرط دوم قاعده توقف رسیدگی، یعنی وحدت موضوع دو دعوا، باید واقعیت‌های موجود براساس حاکمیت قانون تعیین شود. یعنی ادعاهایی که خواهان‌های دعاوی موازی کرده‌اند، براساس مقررات قانونی یکسان باشد و نتیجه واحد بدهد. همچنین درمورد شرط سوم قاعده توقف رسیدگی، یعنی وحدت هدف دو دعوا، باید به پایان دو دعوا در دادرسی موازی توجه شود که نتیجه این دو دعوا در پایان چه خواهد بود.

۲. رویکرد نظام‌های حقوقی در رابطه با قاعده توقف رسیدگی

علی‌رغم توجیهاتی که درخصوص ضرورت اعمال این قاعده وجود دارد، نظام‌های حقوقی مختلف، در رابطه با این قاعده، از رویکرد واحدی تبعیت نکرده‌اند. به‌طور مثال، در کشورهایی که تابع نظام حقوقی کامن‌لا هستند، صرف وجود دادرسی موازی در کشور دیگر،

24. McLachlan, *Lis Pendens*, 123-125.

موجبی برای صدور قرار توقف رسیدگی نیست و دادگاه کشورهای تابع کامن لا برای این که رسیدگی خود را به نفع رسیدگی دادگاه خارجی متوقف کنند، به عوامل گوناگونی توجه می کنند.^{۲۵} مثلاً دادگاه های آمریکا در صورتی رسیدگی خود را به نفع دادگاه خارجی متوقف می کنند که دادرسی خارجی در صدد حل و فصل کامل اختلافات طرفین باشد. همچنین دادرسی خارجی برای این که بتواند نسبت به دادگاه فدرال اولویت در رسیدگی داشته باشد، نباید صرفاً در مرحله مقدماتی رسیدگی به دعوا قرار داشته باشد.^{۲۶} همچنین متقاضی متوقف شدن دادرسی به نفع دادگاه خارجی باید ضرورت این امر را ثابت نماید. نقطه مقابل این رویکرد، رویکرد کشورهای تابع نظام حقوقی رومی - ژرمنی است. در این رویکرد، در صورتی که در قوانین خود این قرار را پیش بینی کرده باشند، مبادرت به صدور این قرار می کنند. البته این رویکرد نیز جای نقد دارد، چراکه به صورت تک بعدی به دعوی موازی می نگرد، کما این که ماده ۲۹ مقررۀ بروکسل از همین رویکرد تک بعدی نشأت گرفته است.

۲-۱. رویکرد اتحادیه اروپا

در قلمرو اتحادیه اروپا، کنوانسیون موسوم به کنوانسیون بروکسل در ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ میلادی، بر پایه اصل اعتماد متقابل در بین کشورهای اتحادیه اروپا و به منظور شناسایی و اجرای احکام خارجی منعقد گردید.^{۲۷} در ماده ۲۱ کنوانسیون ۱۹۶۸ به قابلیت اعمال قاعده توقف رسیدگی در دعاوی موازی به معنای اشاره شده بود. همچنین ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹۶۸، به امکان اعمال قاعده توقف رسیدگی در دعاوی موازی به معنای عام اشاره کرده بود. کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸، در سال ۲۰۱۲ میلادی به موجب مقرره ای، اصلاحات بسیاری پیدا کرد. همچنین ترتیب مواد این کنوانسیون نیز تغییر کرد. مثلاً ماده ۲۱ کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸، در مقررۀ سال ۲۰۱۲ میلادی، در جای ماده ۲۹ مقررۀ جدید قرار گرفت و ماده ۲۲ نیز در ماده ۳۰ مقررۀ جدید قرار گرفت. سرانجام این مقررۀ در سال ۲۰۱۵ میلادی لازم الاجرا شد که در ادامه، این اصلاحات مورد بررسی قرار می گیرد.^{۲۸}

۲-۱-۱. گستره کاربرد قاعده توقف رسیدگی در مقررۀ بروکسل

25. McLachlan, *Lis Pendens*, 145-146.

26. Yoshimasa Furuta, "International Parallel Litigation: Disposition of Duplicative Civil Proceedings in the United States and Japan," *Pacific Rim Law Policy Journal* 5, no. 1 (1995): 16.

27. Olivia STRUYVEN, "Exorbitant Jurisdiction in the Brussels Convention," *Jura FALCONIS* 35, no. 4 (1998-1999): 528.

28. Huber, *Res Judicata and Lis Pendens*, 37.

قاعده توقف رسیدگی در مقررۀ بروکسل یک، قابلیت اعمال در دعاوی موازی به معنای خاص و عام را دارد، با این تفاوت که در دعاوی موازی به معنای خاص، دادگاه کشور اروپایی، که به عنوان دادگاه دوم دعوا به آنجا ارائه شده است، طبق مادۀ ۲۹ ملزم است که رسیدگی خود را متوقف کند و تنها اقدامی که در رابطه با دعاوی موازی به معنای خاص طبق مقررۀ بروکسل یک، دادگاه کشور اروپایی باید انجام دهد این است که رسیدگی اش را متوقف کند، تا زمانی که دادگاه کشور اول که دعوا در ابتدا در آنجا ارائه شده است، درباره صلاحیت یا عدم صلاحیت خود نظر بدهد. وقتی که دادگاه اول در خصوص صلاحیت خود نظر داد، اگر معتقد باشد که صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد، دادگاه دوم که رسیدگی اش را متوقف کرده است، باید صلاحیت خود را رد کند و اگر نظر دادگاه اول این باشد که صلاحیت رسیدگی به دعوا را ندارد، دادگاه دوم باید رسیدگی متوقف شده اش را ادامه دهد و صلاحیت یا عدم صلاحیت خود را بررسی کند. بنابر آنچه گفته شد، دادگاه کشور دوم که دیرتر شروع به رسیدگی کرده است، در همان ابتدا حق ندارد از مکانیسم رد صلاحیت در دعاوی موازی به معنای خاص استفاده کند. بلکه باید مکانیسم توقف رسیدگی را در دعاوی موازی به معنای خاص، تا زمان اظهار نظر دادگاه اول، در مورد صلاحیت یا عدم صلاحیتش به کار بگیرد. اما در مورد به کارگیری مکانیسم توقف رسیدگی در دعاوی موازی به معنای عام، وضعیت به نحو دیگری است، زیرا اولاً، طبق بند ۱ مادۀ ۳۰ این مقررۀ، دادگاه ثانی اختیار دارد که رسیدگی اش را به نفع دادگاهی که دعاوی موازی به معنای عام در ابتدا در آنجا ارائه شده است متوقف کند، اما ملزم نیست که حتماً رسیدگی اش را به نفع دادگاه اول متوقف کند. ثانیاً توقف رسیدگی تنها راهکار مقابله با این نوع از دادرسی موازی نیست، زیرا طبق بند دوم مادۀ ۳۰ مقررۀ بروکسل، هر دادگاهی، به جز دادگاه اول که دعوا در ابتدا به آنجا ارائه شده است، می تواند در همان ابتدا بدون این که رسیدگی اش را متوقف کند، صلاحیت خود را بنابه تقاضای هریک از طرفین دعوا رد کند. قلمرو کاربرد قاعده توقف رسیدگی در مقررۀ بروکسل یک مصوب سال ۲۰۱۲ میلادی که در سال ۲۰۱۵ لازم الاجرا شد، در دو مورد گسترش پیدا کرد. بند ۲ مادۀ ۳۱ مقررۀ بروکسل، تفسیر دیوان دادگستری اروپا را در مورد توافق نامه های انتخاب دادگاه نقض کرد؛ بدین معنا که قبل از این اصلاحات، طبق تفسیر دیوان از شرط صلاحیت انحصاری، صرف تعیین دادگاه در توافق نامه طرفین، موجب اولویت بر دادگاهی که ابتدائاً مبادرت به رسیدگی کرده بود، نمی شد و دادگاه اول، در هر حال، برای رسیدگی به دعاوی موازی اولویت داشت. اما بعد از تصویب مقررۀ بروکسل یک، طبق بند ۲ مادۀ ۳۱، تفسیر مذکور نقض شد و در مواردی که طرفین شرط صلاحیت کرده باشند نیز دادگاه منتخب طرفین

بر هر دادگاهی، ولو دادگاهی که ابتدائاً مبادرت به رسیدگی کرده‌است، اولویت دارد و بقیه دادگاه‌ها باید رسیدگی خود را به نفع دادگاه منتخب متوقف کنند.^{۲۹} گسترش دوم که در قلمرو کنوانسیون بروکسل انجام شد، بند ۱ ماده ۳۳ مقرر است که حاوی حکم در رابطه با کشور خارج از اتحادیه اروپا است.^{۳۰} مفاد بند ۲ ماده ۳۳ این است که اگر دادگاه یک کشور عضو اتحادیه اروپا احراز کند که دادگاه کشور غیراروپایی زودتر به رسیدگی پرداخته‌است و همچنین حکم دادگاه کشور غیراروپایی در کشورش قابل اجرا است، اختیار دارد رسیدگی خود را به نفع دادگاه کشور غیراروپایی متوقف کند.^{۳۱} رویکردی که مقرر بروکسل یک در خصوص کشور ثالث مدنظر قرار داده‌است، مشابه رویکرد نظام حقوقی کامن‌لا است که تحت شرایطی اختیار را به خود دادگاه واگذار می‌کند تا رسیدگی‌اش را به نفع دادگاه کشور غیراروپایی متوقف کند، برخلاف رویکردی که در ماده ۲۹ مقرر بروکسل است و دادگاه در این ماده ملزم است همین که احراز کند دعوی مشابه در دادگاه خارجی که واقع در اتحادیه اروپا هست، زودتر مطرح شده‌است، رسیدگی خود را متوقف کند.

۲-۱-۲. ارزیابی نهایی رویکرد نظام بروکسل به قاعده توقف رسیدگی

در ماده ۲۹ مقرر بروکسل وضعیتی باثبات و قابل پیش‌بینی درمورد امکان اعمال قاعده توقف رسیدگی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا پیش‌بینی شده‌است که این امر گام بسیار مثبتی در جهت کنترل دعوی موازی واقع در اتحادیه اروپاست. اما این ماده، با وجود این مزیت، خالی از اشکال نیست، زیرا اولاً در مواردی می‌تواند منجر به سوء استفاده طرفین شود. به‌طور مثال، خواهان به دنبال طرح دعوا در دادگاه کشوری است که منافعی بهتر تضمین شود و همچنین خوانده نیز ممکن است از این مقرر سوء استفاده کند و در قالب دعوی اظهارنامه منفی به دنبال عدم مسئولیت خود باشد؛ دعوی که در کشورهای فرانسه و انگلستان بسیار معمول است. بنابراین به نظر می‌رسد که ماده ۲۹ این مقرر نیازمند اصلاح است. ثانیاً دادگاه اول که طبق ماده ۲۹ مقرر بروکسل اولویت در رسیدگی دارد ممکن است به دلیل عدم توانایی در رسیدگی زود هنگام و تأخیرهای بیش‌ازحد، باعث نقض عدالت شود، مانند دادگاه‌های ایتالیا که به تأخیر بیش‌ازحد در رسیدگی مشهور هستند و از آنجایی که همه کشورهای اروپایی، عضو کنوانسیون حقوق بشر نیز هستند و یکی از اصول بنیادین این کنوانسیون در ماده ۶، رسیدگی عادلانه در کوتاه‌ترین زمان ممکن است، کشورهای عضو

29. Paul Nicholls KC, *Employment and Commercial Disputes: The International Aspect* (London: Bloomsbury Publishing, 2021), 201.

30. Nicholls KC, *Employment and Commercial Disputes*, 204.

31. Nicholls KC, *Employment and Commercial Disputes*, 205.

اتحادیه اروپا، طبق ماده مذکور، در مواردی که تأخیر بیش از حد رخ داده باشد، می‌تواند در این باره دخالت کند. البته رویه‌ای که توسط دیوان دادگستری اروپا پذیرفته شده است، این است که ماده ۶ کنوانسیون حقوق بشر در مواردی اعمال می‌شود که تأخیر در رسیدگی به کرات اتفاق افتاده باشد.^{۳۲} بند ۲ ماده ۳۱ مقررۀ بروکسل نیز، با آن‌که اقدامی مثبت در به رسمیت شناختن توافق طرفین در خصوص انتخاب مرجع رسیدگی است، اما می‌تواند منجر به سوء استفاده شود، زیرا طبق این بند، وقتی طرفین مرجع رسیدگی را در توافق خود تعیین کرده باشند، هیچ دادگاهی به غیر از آن دادگاهی که در توافق طرفین تعیین شده است، حق رسیدگی به دعوا و توافق نامۀ صلاحیت را ندارد و طرفین می‌توانند با استناد به شرط صلاحیت، از رسیدگی دادگاهی به غیر از دادگاهی که در توافق نامۀ طرفین تعیین شده است، جلوگیری کنند. آنان بدین نحو می‌توانند باعث اطالۀ دادرسی شوند و برای جلوگیری از این سوء استفاده، دادگاه غیرمنتخب باید حداقل حق رسیدگی به اعتبار توافق نامۀ انتخاب دادگاه را داشته باشد، درحالی‌که بند دوم ماده ۳۱ مقررۀ بروکسل یک، حق بررسی توافق نامۀ انتخاب دادگاه را به دادگاه غیرمنتخب نداده است. حکم بند ۱ ماده ۳۳ مقررۀ بروکسل یک نیز، که امکان توقف رسیدگی به نفع دادگاه کشور خارج از قلمرو اتحادیه اروپا را پیش‌بینی کرده است، از این نظر که تک‌بعدی به موضوع نگاه نمی‌کند و به قاضی اختیار داده است که با سنجیدن همه اوضاع و احوال پرونده، رسیدگی خودش را به نفع دادگاه خارجی متوقف کند، اقدام مناسبی است. اما نقطه ضعف این ماده در مواجهه با دعوی موازی، در قلمرو فراتر از اتحادیه اروپا، این است که قابلیت اعمال قاعدۀ توقف رسیدگی از قطعیت و ثبات مطمئنی برخوردار نیست و امکان اعمال این قاعده در دست قاضی است.

۲-۲. رویکرد حقوق ایران نسبت به قاعدۀ توقف رسیدگی

در مواد قانونی، به جز ماده ۹۷۱ قانون مدنی، که مطرح بودن دعوا در دادگاه خارجی را رافع صلاحیت دادگاه ایرانی ندانسته، هیچ ماده خاصی مشاهده نمی‌شود که به قابلیت متوقف کردن رسیدگی دادگاه ایرانی به نفع دادگاه خارجی پرداخته باشد، و همین اجمال و سکوت مواد قانونی موجب اختلاف نظر میان حقوق دانان شده است. عده‌ای از حقوق دانان معتقدند با توجه به اطلاق ماده ۹۷۱ قانون مدنی، هیچ موجبی برای متوقف کردن رسیدگی دادگاه ایرانی به نفع دادگاه خارجی وجود ندارد، ولو دعوا ابتدائاً در دادگاه خارجی مطرح شده باشد.^{۳۳}

32. McLachlan, *Lis Pendens*, 132-134.

۳۳. عبدالحسین شیروی، *حقوق تجارت بین‌الملل* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳)، ۵۲۲.

در مقابل رویکرد مذکور، عده‌ای از حقوق‌دانان اطلاق ماده ۹۷۱ قانون مدنی را نادیده گرفته‌اند. از نظر آنان، ماده ۹۷۱ قانون مدنی اختصاص به مواردی دارد که در صلاحیت اختصاصی محاکم ایران قرار دارد و بندهای ماده ۹۶۱ قانون مدنی و صلاحیت‌های منبعث از کنوانسیون‌های بین‌المللی، مصداق صلاحیت اختصاصی محاکم ایران است.^{۳۴}

یکی از حقوق‌دانان، در این خصوص، قائل به اعمال جزئی ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی است، بدین نحو که در عرصه داخلی وقتی ایراد امر مطروحه مطرح باشد، دادگاه با صدور قرار امتناع از رسیدگی، پرونده را به دادگاهی که دعوا سابقاً در آنجا مطرح گردیده ارسال می‌کند، چراکه اگرچه اعمال قسمت دوم ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، یعنی ارسال پرونده به دادگاه خارجی که پرونده سابقاً در آنجا مطرح گردیده‌است، ممکن نیست، اما اعمال قسمت اول ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، یعنی متوقف کردن رسیدگی در دادگاه ایران تا اتمام رسیدگی دادگاه خارجی امکان‌پذیر است.^{۳۵}

در میان دو رویکرد مذکور، به نظر می‌رسد باید رویه‌ای میانه را با توجه به ظرفیت مواد قانونی ارائه داد. مثلاً در مواردی که دادگاه ایرانی با دعاوی موازی روبه‌رو می‌شود، به بررسی پردازد و حداقل در مواردی که حکمی که از دادگاه خارجی صادر می‌شود، در ایران وفق شرایط ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قابل اجرا باشد، از رسیدگی مجدد به آن دعوا خودداری کند. البته بدیهی است برای این که دادگاه ایرانی بتواند ایراد امر مطروحه بین‌المللی را مدنظر قرار بدهد، باید این ایراد در موعد مندرج در ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی مطرح شود، چراکه طبق دیدگاه غالب در حقوق ایران، ایراد امر مطروحه از جمله ایرادات مخیره محسوب می‌شود و در صورتی که خارج از موعد مقرر مطرح شود، طبق ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه مکلف نیست جدای از ماهیت دعوا به ایراد مذکور رسیدگی کند.^{۳۶} بنابراین وقتی در ایراد امر مطروحه داخلی، خواننده باید ایراد را با رعایت موعد ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی مطرح کند، در ایراد امر مطروحه بین‌المللی، به طریق اولی باید موعد مذکور رعایت شود. نهایتاً در مقام جمع‌بندی باید توجه شود که استفاده از تفاسیر حقوقی برای توقف رسیدگی دادگاه ایران، مربوط به زمانی است که معاهده یا توافق‌نامه خاصی بین دولت ایران و سایر دول وجود نداشته باشد، چراکه در این صورت، آن معاهده به حکم ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است و دادگاه ایرانی مکلف است به حکم آن معاهده عمل

۳۴. مجید غمامی و حسن محسنی، آیین دادرسی فراملی (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰)، ۱۷۶.

۳۵. محمود سلجوقی، حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد ۲ (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹)، ۴۹۸.

۳۶. عبدالله شمس، دوره بنیادین آیین دادرسی مدنی، جلد ۳ (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۸)، ۴۹.

کند. موافقت‌نامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی بین دولت ایران و قزاقستان مصوب سال ۱۳۸۴، نمونه‌ای از این موافقت‌نامه‌ها است. در بند ۳ ماده ۲۱ این معاهده آمده است: «در صورت آغاز رسیدگی به امری، به شرط وحدت اصحاب دعوا و موضوع در دادگاه‌های طرفین متعاقد، که مطابق این موافقت‌نامه صلاحیت رسیدگی به آن موضوع را داشته باشند، دادگاهی که موضوع دیرتر در آن مطرح شده است، رسیدگی خود را قطع می‌کند و در صورتی که عدم صلاحیت دادگاهی که موضوع در آن زودتر مطرح شده است احراز شود، دادگاه طرف متعاقد دیگر رسیدگی به موضوع را از سر می‌گیرد.» بند ۳ ماده ۲۱ این معاهده، در واقع بیانگر همان قاعده توقف رسیدگی است که چون معاهده در حکم قانون است باید توسط دادگاه ایرانی اعمال شود.

نتیجه‌گیری

اختلاف نظر عمیق کشورها در مبانی حقوقی و عدم اعتمادی که بین کشورهای مختلف وجود دارد، منجر به اختلاف روش آن‌ها در برخورد با دعاوی موازی شده است، به نحوی که تلاش‌های فراوانی که در زمینه دستیابی به یک کنوانسیون عام در این رابطه انجام شده، ناکام مانده است. معضل مذکور در کشورهایی مثل ایران، که فاقد هرگونه مقررۀ عام در رابطه با متوقف کردن دادرسی به نفع دادرسی خارجی است، پررنگ‌تر می‌شود، زیرا کشورهای مذکور به سادگی حاضر نیستند از اعمال صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی خودداری کنند. به نظر می‌رسد اعمال این قاعده در عرصه بین‌المللی، تا حد زیادی به اصل اعتماد متقابل دولت‌ها بستگی دارد و دولت‌ها بر اساس اعتمادی که به یکدیگر دارند به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌پیوندند؛ موضوعی که به روشنی از مقررۀ بروکسل برداشت می‌شود؛ مقررۀ ای که جامع‌ترین مقررات را در مقابله با دادرسی موازی دارد. قابلیت الگوبرداری از روش این مقررۀ در عرصه بین‌المللی موضوع قابل تأملی است. البته این الگوبرداری منطقه‌ای نیز مستلزم اعتماد متقابل است و در مناطقی مانند خاورمیانه، به دلیل عدم اعتماد متقابل، دور از ذهن است. در حقوق ایران نیز اگرچه اطلاق ماده ۹۷۱ قانون مدنی مانع از پذیرش ایراد امر مطروحه بین‌المللی است، اما باید توجه داشت که تفسیر تک‌بعدی این ماده آثار مضری در عرصه شناسایی و اجرای احکام خارجی بر جای خواهد گذاشت. بنابراین باید با توجه به نظریات حقوق‌دانان، تعدیل‌هایی در تفسیر ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران انجام داد و حکم این ماده را معطوف به مواردی دانست که پرونده قضایی در صلاحیت انحصاری محاکم ایران است، یا در مواردی که شرایط ایراد امر مطروحه بین‌المللی مهیا نیست، می‌توان به ماده ۹۷۱ قانون مدنی استناد کرد و بهتر است در این خصوص، قابلیت اجرای حکم دادگاه خارجی مورد بررسی قرار گیرد و اگر حکم دادگاه خارجی در ایران قابل اجرا بود، از رسیدگی مجدد به دعوا خودداری شود.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- سلجوقی، محمود. *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*. جلد ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹.
- شمس، عبدالله. *آیین دادرسی مدنی*. جلد ۳، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۸.
- شیروی، عبدالحسین. *حقوق تجارت بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
- غمامی، مجید، و حسن محسنی. *آیین دادرسی فراملی*. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.

ب- منابع لاتین:

- Furuta, Yoshimasa. "International Parallel Litigation: Disposition Duplicative Civil Proceedings in the United States and Japan." *Pacific Rim Law Policy Journal* 5, no. 1 (1995): 1-58.
- Hey, Peter. "Notes on the European Union's Brussels-I 'Recast' Regulation." Last modified November 5, 2022. <https://papers.ssrn.com/sol3/papers>.
- Huber, Kaj I. *Res Judicata and Lis Pendens in International Arbitration*. Netherlands: Collected Courses of the Hague Academy of International Law, 2014.
- Mclachlan, Campbell. *Lis Pendens in International Litigation*. Netherlands: Martinus Nijhoff PUBLISHERS Leiden/Boston, 2009.
- Nicholls KC, Paul. *Employment and Commercial Disputes: The International Aspects*. London: Bloomsbury Publishing, 2020.
- OluwaPelumi MojolaOluwa, Mofoluwawo. "Private International Law and the Doctrine of Lis Alibi Pendens." Last modified November 7, 2022. <https://papers.ssrn.com/sol3/papers>.
- Paili, Giacomo. "Lis alibi pendens within Europe - SSRN Papers." Last modified July 22, 2022. https://papers.ssrn.com/SSRN_ID2276572_code1537
- Reinisch, August. "The Use and Of Res Judicata and Lis Pendens as Procedural Tools to Avoid Conflicting Dispute Settlelement Outcomes." *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, no. 3 (2004): 37-77.
- Struyven, Olivia. "Exorbitant Jurisdiction in the Brussels Convention." *Jura FALCONIS* 35, no. 4 (1998-1999): 521-548.